

نقد سیاست‌های پالایش (فیلترینگ) در پیشگیری از بزه دیدگی نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان محیطی نوین از جغرافیای انسانی

هادی کرامتی معز^۱

پژوهشگر دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

سید محمود میرخلیلی

دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۲

چکیده

در تقسیم بندی کلان، سیاست‌ها و تدابیری که می‌توان در مهار و کنترل شبکه‌های اجتماعی مجازی اتخاذ نمود؛ به دو دسته سیاست‌های ایجابی و سیاست‌های سلبی تقسیم می‌شود؛ منظور از سیاست‌های سلبی در این حوزه، سیاست‌هایی است که مربوط به حذف؛ کنترل و نظارت بر محتوا و تدابیر مربوط به احراز هویت و پالایش، هستند که در زمره تدابیری تلقی می‌شوند که قابلیت دسترسی را کم می‌کنند. حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که راهکارهای سلبی از طریق فیلترینگ می‌تواند منجر به کاهش بزه دیدگی نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی مجازی شود؟ به نظر می‌رسد منع آن‌ها نمی‌تواند کمک کند چرا که دولت برای جلوگیری از این وضعیت به فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی پرداخته؛ این تدبیر نه تنها کمکی نکرد؛ بلکه کودکان را بیشتر در معرض بزه‌دیدگی و بزهکاری قرار داده است؛ با این وصف که شبکه‌های اجتماعی مجازی به خودی خود ابزارهای نامناسبی نیستند و می‌توانند کاربردهای مفیدی نیز داشته باشند، لذا انکار و یا حذف دسترسی به تکنولوژی‌های ارتباطی و تعاملی نمی‌تواند راه حل مناسبی در کنترل و پیشگیری از بزه دیدگی ناشی از شبکه‌های اجتماعی باشد. از این رو، ضروری است سیاست‌گذاری‌های مناسبی در این خصوص اتخاذ گردد و از برخوردهای سلبی و قهری در این زمینه پرهیز شود و مهارت استفاده آگاهانه از تکنولوژی‌های مجازی و فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی مجازی در سطح خانواده‌ها و جامعه افزایش یابد.

واژگان کلیدی: سیاست‌های پالایشی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، پیشگیری از بزه دیدگی، جغرافیای انسانی.

مقدمه

علم جغرافیا به روابط بین انسان و محیط می‌پردازد، جغرافی‌دانان از گذشته تاکنون همواره محیط‌ها و فضاهای گوناگون را بررسی می‌کرده‌اند تا با شناخت بهتر محیط، شرایط بهتری را برای زندگی انسان فراهم آورند. از انقلاب صنعتی به بعد اختراع و تولید ماشین آلات به افزایش سرعت ارتباطات منجر شد و این روند تا امروز ادامه داشته که و بررسی و تحلیل فضای مجازی بر فضای جغرافیایی و شناسایی رابطه بین احساس امنیت و اعتماد در کاربران نسبت به فضای مجازی موجب افزایش تعاملات و روابط بین انسان‌ها شده، ضمن اینکه در چند دهه‌ی اخیر گسترش ارتباطات در فضاهای مجازی باعث سرعت بخشیدن به این تعاملات شده؛ این امر موجب شده تا تمامی کشورها به دنبال استفاده‌ی هر چه بیشتر از این فضا و گسترش ارتباطات باشند. (Nami & Karimi, 2017: 53-54).

در برنامه پنجم توسعه فضای مجازی و فناوری اطلاعات به عنوان فضایی برای افزایش بهره‌وری اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و با توجه به نظر دانشمندان پیشین و گسترش فضاهای ارتباطی جدید می‌توان این طور گفت که جغرافیای کنونی بیشتر جغرافیای فضاها است تا جغرافیای مکان‌ها. امروزه با پیشرفت و توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات، فضاهای جدید جغرافیایی شکل گرفته که بالطبع روابط نوین فضایی را سبب شده است. به موازات پیشرفت فناوری و ارتباطات امکان تعامل و ارتباط انسان‌ها در این فضاهای جدید میسر شده، از جمله فضاهای نوین در حال حاضر می‌توان شبکه‌های اجتماعی مجازی را نام برد. گستردگی روابط و تعاملات در این فضا، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی موجب به وجود آمدن ضوابط و هنجارهای خاصی شده که به نظر می‌رسد با قوانین عامه قدری متفاوت باشد؛ و این بدین سبب است که رفتارهای ما در فضای مجازی نسبت به رفتار ما به عنوان یک شهروند متفاوت است. به این خاطر که گستردگی این فضا امکان ارتباط برقرار کردن با تعداد افراد زیادی در یک لحظه را امکان پذیر می‌کند و همچنین بدون مرز بودن و سیال بودن فضای مجازی از ویژگی‌هایی است که می‌تواند منجر به شکل‌گیری رفتارهای متفاوتی نسبت به محیط بیرون شود.

با این وجود فضاهای نوین ارتباطی به رقم مزیت‌هایی که برای انسان به ارمغان آورده‌اند سبب بروز مخاطراتی نیز شده‌اند، مخاطراتی که به سبب ویژگی‌های خاصی که این فضا برای انسان به وجود آمده شکل می‌گیرند که در واقع این به سبب شکسته شدن مرزهای حقیقی بین فرهنگ‌ها است و موجب شده است که کاربران اینترنتی خود را در یک فضای بسیط و نامحدود بیابند که در آن می‌توانند با افراد مختلف و بدون محدودیت خاصی گفتگو کنند، تبلیغ کنند، انواع سرگرمی‌های مجازی را دریافت و منجر به بزه دیدگی بعضی از اشخاص به ویژه کودکان و نوجوانان شود.

امروزه، نوجوانان با اینترنت بزرگ شده‌اند و به نوبه خود، به شدت با فرصت‌های متعدد استفاده برخط از این ابزار، آشنا هستند. کودکان دختر و پسر با استفاده روش‌های مختلف مربوط به ارتباط رایانه‌ای مانند ایمیل، چت، پیامک و شبکه‌های اجتماعی، درگیر جریان جامعه پذیری برخط و آنلاین هستند. به علاوه، کودکان و نوجوانان، نه تنها با استفاده از اینترنت در جریان جامعه پذیری قرار دارند، بلکه زمان زیادتری را به کار ارتباطات اینترنتی اختصاص می‌دهند؛ استفاده از وسایل ارتباط رایانه‌ای، قادر به ایجاد تعاملاتی مثبت می‌باشد و کاربران را در توسعه روابط مورد

علاقه خویش توانا می‌سازد؛ با این اوصاف نگارندگان در این مقاله در پی پاسخگویی به این سوال اصلی هستند که راهکارهای سلبی از طریق فیلترینگ می‌تواند منجر به کاهش بزه دیدگی در شبکه‌های اجتماعی مجازی شود؟

مفهوم‌شناسی

بحث پیرامون یک موضوع تخصصی نیازمند آشنایی و روشن گردانیدن مفاهیم آن می‌باشد تا بدین طریق آگاهی نسبی پیرامون تحقیق حاصل شده و خواننده آمادگی ورود به بحث اصلی را پیدا نماید؛ از این رو در این قسمت از مقاله به تبیین مفاهیم اساسی مقاله خواهیم پرداخت.

مفهوم بزه دیدگی آنلاین کودکان

منظور از بزه دیدگی آنلاین کودکان بزه دیدگی‌هایی است که کودکان در زمانی که در شبکه‌های اجتماعی مجازی و اینترنت سیر می‌کنند با آن‌ها مواجه می‌شود. به عنوان مثال زمانی که کودکان در اینترنت آنلاین هستند ممکن است درخواست‌هایی برای مشغول شدن به اعمال و فعالیت‌های جنسی یا گفتگوی جنسی یا دادن اطلاعات شخصی بر خلاف خواسته وی توسط دیگران صورت گیرد. از همین دست می‌توان از تقاضاهای جنسی تهاجمی نیز نام برد که این جرائم شامل تماس بیرون شبکه^۱ یعنی زمانی که کودک آنلاین نیست با متجاوزین و بزهکاران از طریق پست یا تلفن، حضور فیزیکی شخص یا تقاضا برای تماس و ملاقات بیرون از شبکه می‌باشد. Keramati Moez et al., (2019: 5).

مفهوم شبکه‌های اجتماعی مجازی

اصطلاح شبکه اجتماعی قبل از ایجاد اینترنت وجود داشت ولی محبوبیت خود را مدیون توسعه و پیشرفت برنامه‌هایی مانند فیس بوک^۲، مای اسپیس^۳ و لینکدین^۴ می‌باشد (Yang et al., 2006, 71)؛ بنابراین، شبکه‌ی اجتماعی مجازی را نیز این گونه می‌توان تعریف کرد: «خدمات مبتنی بر وب که به افراد اجازه‌ی ساختن پروفایلی عمومی یا نیمه عمومی درون سیستمی محدود شده، بیان فهرستی از سایر کاربران که با آن‌ها در ارتباط هستند، مشاهده و گذر از فهرست کسانی که با آن‌ها در ارتباط است و سایرین را می‌دهد» (Ansari & Attar, 2013: 118). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی بر امنیت اخلاقی تاثیرگذار هستند؛ از بین شاخص‌های ذکر شده در حوزه تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر امنیت اخلاقی، شاخص اختلافات قومی دارای بالاترین میانگین رتبه و بعد از آن شاخص‌های، تبلیغات ضد دینی و القای شبهات و تهاجم فرهنگی و خودباختگی فرهنگی قرار دارند Keramati (109: 2018: Moez & Chawoshi)؛ از این رو شبکه‌های اجتماعی نقش پررنگی در دنیای امروز پیدا کرده است و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت و در آینده نقش به مراتب بیشتر و مهم‌تری را در زندگی بازی خواهند کرد.

مفهوم پالایش (فیلترینگ):^۵

1. offline
2. Face book
3. Myspace
4. LinkedIn
5. Filtering.

پالایش معادل فارسی فیلترینگ است که در قانون جرائم رایانه‌ای معادل‌سازی شده است و عبارت است از محدود ساختن دسترسی کاربران اینترنت به پایگاه‌ها و خدمات اینترنتی که بر اساس ملاحظات فرهنگی و سیاسی یک کشور، دسترسی به آن‌ها برای عموم مردم مناسب نیست. (Javidnia et al., 2015: 36).

فیلتر یا پروکسی^۱ معمولاً به عنوان بخشی از «دیوار آتش» سرویس دهندگان اینترنت مورد استفاده قرار می‌گیرد و نحوه کار آن به این صورت است که وقتی کاربر می‌خواهد در یک شبکه محلی به یک سرویس دهنده اینترنت دسترسی داشته باشد، یک درخواست از کامپیوتر به سرویس دهنده پروکسی می‌فرستد. سپس سرویس دهنده پروکسی اطلاعات را از سرویس دهنده اینترنت به کامپیوتر درون شبکه داخلی می‌فرستد و به صورت دقیق‌تر پروکسی بسته‌های اطلاعات؛ یعنی اطلاعات در حال عبور از شبکه را مورد کنترل و بررسی قرار می‌دهد و می‌تواند انتقال بسته‌های مشخص از اینترنت به شبکه داخلی و برعکس را مسدود کند. (Hosseini et al., 2017: 31).

به عبارت دیگر فیلتر اینترنتی یا فیلترینگ عبارت است از محدود کردن دسترسی کاربران اینترنت به وب‌گاه‌ها و خدمات اینترنتی که از دیدگاه متولیان فرهنگی و سیاسی هر کشور برای مصرف عموم مناسب نیست، اعمال فیلتر معمولاً به وسیله ارائه دهندگان خدمات اینترنتی انجام می‌شود ولی تعیین سطح، مصادیق و سیاست‌های فیلترینگ با حکومت‌ها است (Pourghahremani, 2016: 222).

برخی تعاریف، پالایش یا فیلترینگ را در دو معنای عام و خاص به کار برده‌اند. در معنای عام پالایش عبارت است از فناوری‌هایی که از دستیابی به انواع خاص محتوا یا بسته ویژه‌ای از محتوای اینترنتی در دسترسی، جلوگیری به عمل می‌آورد. اما در تعریف خاص، فیلترینگ عبارت است از جلوگیری از دسترسی به اطلاعات بر مبنای محتوای اطلاعات و نه آدرس سایت. در حقیقت معنای خاص پالایش، در مقابل مسدود کردن^۲ به کار می‌رود. طبق این تفکیک هنگامی که دسترسی به کل یک سایت بر اساس آدرس آن سایت ممنوع می‌شود، آن سایت مسدود (یا بلاک) شده و در صورتی که بخشی از محتوای آن ممنوع شده باشد پالایش گشته است (Greenfield et al., 2001, 5).

فضا مختص پدیده‌های مرئی و ملموس نبوده و عملکردها و روابط و حرکات را نیز در برمی‌گیرد از این رو (فضا) مجموعه کالبد و محتواست. هنگامی که صفتی به فضا نسبت داده می‌شود بنا بر آنکه کالبد یا محتوی را در نظر داشته باشد حوزه یا قلمروی فضا را مشخص می‌سازد. فضا حجم مکانی و زمانی مجموعه‌ای از تمامی فعالیت‌های است که انسان در راه تسلط بر طبیعت و برای بقاء خود انجام می‌دهد به عبارت دیگر منظور فضایی اقتصادی و اجتماعی است که منعکس کننده تمام هستی جوامع انسانی است (Masoumi Eshkevari, 1991: 53). در جغرافیا مفهوم فضا به دو صورت فضای مطلق و فضای نسبی بکار برده می‌شود. فضای مطلق دارای کیفیت عینی، مشخص و طبیعی است در صورتی که فضای نسبی به‌طور مداوم در اثر نیازهای اجتماعی و اقتصادی و شرایط تکنولوژیک تغییر می‌یابد. از دیدگاه علم فضایی، مردم در فضاهای نسبی زندگی می‌کنند. بدین ترتیب فضای فعالیت، فضای اجتماعی، فضای ساخته شده و فضای عملکردی در محدوده فضای نسبی جای می‌گیرند (Shakui, 1996: 286). در

¹. proxy

². Blocking

مقیاس زمان فضا ترکیبی از نقاط ثابت و متحرک است. هرگاه مقیاس زمان تغییر نماید آنچه زمانی ثابت تلقی می‌شده است به متحرک تبدیل می‌شود برای نمونه ممکن است روستایی مورد تخریب قرار گیرد و یا بار دیگر در مکان سابق خود ساخته نشود (Drewo, 1992: 64).

جغرافیای انسانی

این نظر که خلق و خوی و زندگی اجتماعی هر ملتی، تحت تأثیر محیط طبیعی و جغرافیایی است، از دیرباز مورد توجه دانشمندان و محققان بوده است. بقراط، در قرن پنجم قبل از میلاد با طرح نظریه اقلیم این رابطه را بیان کرد و کوشیده است تا کیفیت تأثیر محیط طبیعی را در جسم و جان بشر مورد مطالعه قرار دهد. افلاطون نیز درباره ارتباط میان عوامل جغرافیایی و محیط طبیعی و نوع معیشت مردم سخن گفته است. ابن‌خلدون درباره ارتباط محیط طبیعی و جغرافیایی با فرهنگ جامعه مفصلاً بحث کرده و اهمیت آن را بیان کرده است.

از نظرگاه ابن‌خلدون زندگی اجتماعی چیزی جزء یک پدیده طبیعی محسوب نمی‌گردد و شرایط و احوال و دگرگونی‌های اجتماعی متفاوت مردم، بیشتر از محیط جغرافیایی و آب و هوا سرچشمه می‌گیرد. به نظر او محیط جغرافیایی و آب و هوای متغیر و گوناگون در اجتماعات مختلفی که در شرایط طبیعی متفاوتی زندگی می‌کنند، تأثیرات گوناگونی می‌بخشد و هر نوع محیط جغرافیایی و آب و هوای ویژه‌ای در آداب و رسوم و اخلاق، دارای تأثیراتی است که از پدیده‌های سیاسی و علل ناچیز دیگر، بسیار مؤثرتر می‌باشد. او در باب اول کتاب نخست خود، به‌طور کلی پنج مقدمه و پنج فصل را درباره اجتماع بشر، مسائل و تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی و آثار آب و هوای مختلف جغرافیایی در روحيات و چگونگی معیشت آن‌ها اختصاص داده و در این‌باره بحث کرده است. منتسکیو نیز معتقد بود که روابط ثابت و معین، میان آب و هوا و محیط جغرافیایی و شرایط زندگی مردمان، از یک سو و تشکیلات اجتماعی، سیاسی و قضائی آن‌ها از سوی دیگر وجود دارد و این روابط است که روحیه کلی و طرز تفکر و عقیده را به وجود می‌آورد.

منتسکیو می‌گوید: چند چیز بر آدمیان حکومت می‌کند. آب و هوا، مذهب، قوانین، اصول ارزنده حکومت، نمونه‌های چیزهای گذشته و آداب و رسوم که همه این عوامل به وضع طبیعی کشور، آب و هوای سرد، سوزان یا معتدل بودن، کیفیت خاک، موقعیت و بزرگی آن کشور، همچنین به نوع زندگی مردمان که یا کشاورز هستند یا شکارچی یا چوپان وابسته هستند. تأثیرات محیط جغرافیایی در زندگی انسان‌ها سبب شد که علاوه بر صاحب‌نظران مذکور، کسانی چون: راتزل^۱، برونه^۲، لویله^۳، هانتینگتون^۴، در اهمیت عوامل جغرافیایی مبالغه کنند و زندگی انسان را معلول مقتضیات جغرافیایی بدانند. این‌ها که طرفداران مکتب جغرافیایی می‌باشند، می‌کوشیدند که واقعیت اجتماعی را به کمک پدیده‌های طبیعی توجیه نمایند و شیوه زندگی اجتماعی را بر مبنای عواملی چون: پستی و بلندی، اقیانوس‌ها و دریاها، خاک و منابع زیرزمین، آب و هوا و... طبقه‌بندی کنند. مثلاً اجتماعات انسانی را به سرزمین‌های گرمسیری، بادهای موسمی، مناطق صحرائی، مناطق قطبی، سرزمین‌های آب و هوای اقیانوسی و... تقسیم‌بندی می‌نمودند.

1. Ratzel

2. Bronhes

3. F. Le play

4. Huntington Ellsworth

علاوه بر این گروهی از محققان، سراسر زندگی اجتماعی و نیز ظهور و سقوط تمدن‌ها را به عوامل طبیعی، مخصوصاً عوامل جغرافیائی نسبت داده‌اند. مثلاً می‌دانیم که جامعه و تمدن‌های بزرگ قدیم مانند: مصر، بین‌النهرین، هند و چین در کنار رودهای پرآبی چون: نیل، دجله و فرات، سند و هوانگ‌هو پدید آمده و این را هم می‌دانیم که کوهستان‌های سردسیر، تمدن پرور نیست و نواحی معتدل و گرمسیر برای پرورش تمدن، مناسب‌تر است. همچنین مسلم است که نژادهای انسانی از تأثیرات عوامل طبیعی، نمی‌تواند برکنار باشند و هر یک از گروه‌های انسانی، از دیرباز به اقتضای اوضاع جغرافیائی پیرامون خود تغییراتی کرده‌اند و بر اثر این تغییرات توانسته‌اند با محیط خود سازگار شوند و به زندگی ادامه دهند. مثلاً فشردگی یاخته‌های پوست مردم آفریقای استوایی که باعث تیرگی رنگ پوست آنان شده، معلول مجاهدتی است که بدن آنان در برابر آفتاب استوایی به کار برده است. یا تنگی سوراخ بینی اسکیموها، نتیجه طبیعی واکنشی است که در مقابل سرمای شدید قطبی در بدن آنان پدید آمده است تا جریان هوا را به آرامی به ریه‌ها برسد و در راه خود اندکی گرم شود.

جغرافیای انسانی رابطه متقابل انسان و عوامل جغرافیایی را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر در این رشته، اثراتی که محیط بر جامعه انسانی و انسان بجای می‌گذارد و نیز متقابلاً اثراتی که انسان به کمک مهارت خود بر محیط زندگی بر خود برجای می‌گذارد مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد. جغرافیای انسانی شامل: جغرافیای جمعیت، جغرافیای تاریخی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای فرهنگی (نژادها و السنه)، جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری، جغرافیای روستایی و برنامه‌ریزی روستایی، جغرافیای کوچ‌نشینی، جغرافیای پزشکی و امراض، جغرافیای نظامی و جغرافیای ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی می‌باشد.

جغرافیای انسانی شاخه‌ای از جغرافیا است که متوجه بررسی الگوها و فرایندهایی است که بر هم کنش انسان با محیط‌های جورواجور را شکل می‌دهد که شامل جنبه‌های انسانی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. در حالی که توجه عمده جغرافیای انسانی به چشم‌انداز فیزیکی زمین نیست (نگاه کنید به جغرافیای فیزیکی) به سختی امکان‌پذیر است که هنگام بحث درباره جغرافیای انسانی، به چشم‌اندازهای فیزیکی - که در فعالیت‌های انسان در نقش بسیاری دارد - اشاره‌ای نکرد که جغرافیای زیست محیطی دارد به عنوان پیوندی میان این دو پدیدار می‌گردد.

جغرافیای انسانی ایران

ایران در جنوب غربی آسیا و در منطقه خاورمیانه با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت (هفدهم در جهان) و بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۷۹،۹۲۶،۲۷۰ نفر جمعیت (هجدهم در جهان) است. ایران از شمال با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان، از شرق با افغانستان و پاکستان و از غرب با ترکیه و عراق همسایه است و همچنین از شمال به دریای خزر (کاسپین) و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود می‌شود که دو منطقه نخست از مناطق مهم استخراج نفت و گاز در جهان هستند. ایران کشوری با چندگانگی فرهنگی است که از گروه‌های زبانی و نژادی بسیاری تشکیل شده است که به‌طور رسمی اکثریت شیعه هستند. بسیاری از ایرانیان به زبان‌های فارسی، ترکی آذربایجانی، کردی، لری، بلوچی، مازندرانی، گیلکی، تالشی، اچمی و عربی صحبت می‌کنند اما زبان رسمی در ایران زبان فارسی است (Hayek et al., 2019).



نقشه ۱: موقعیت ایران در جغرافیای جهان

Source: (<http://www.mapsopensource.com>)

بر اساس قانون بخش‌بندی کشوری (مصوب ۱۲۸۶ شمسی) ایران به ۴ ایالت «آذربایجان»، «خراسان»، «فارس» و «کرمان و بلوچستان» و ۱۰ ولایت (جدا از ایالات) تقسیم شد. این تقسیمات تا سال ۱۳۱۶ با دگرگونی‌های کوچکی به همین گونه ماند. در سال ۱۳۱۶ با تصویب قانون جدید تقسیمات کشوری، ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد. به مرور زمان با ایجاد استان‌های جدید، تعداد استان‌های ایران افزایش یافت. برای مدت‌های مدیدی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران همچنان دارای ۲۴ استان بود. از سال ۱۳۷۲ به ترتیب استان اردبیل، استان قم، استان قزوین، گلستان تشکیل شده، خراسان به سه استان خراسان جنوبی، خراسان شمالی و خراسان رضوی تقسیم شده و در سال ۱۳۸۹ البرز آخرین استانی بود که تاکنون تأسیس شده است. بر اساس آخرین تقسیمات کشور در سال ۱۳۹۳ ایران از ۳۱ استان تشکیل می‌شود (Nazarian et al., 2019).

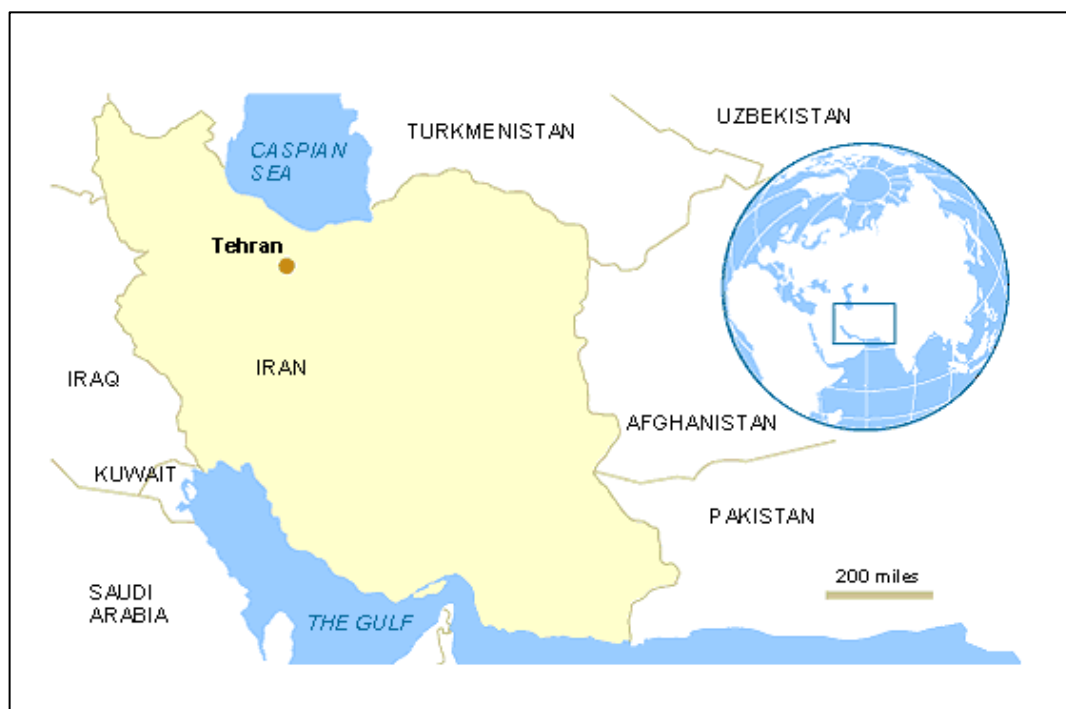
بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۵، ایران دارای ۷۹،۹۲۶،۲۷۰ نفر جمعیت (هجدهم در جهان) است که شامل ۷۸،۱۶۶،۸۲۲ ایرانی، ۱،۵۸۳،۹۷۹ افغانستانی، ۳۴،۵۳۲ عراقی، ۱۴،۳۲۰ پاکستانی، ۷۱۳ ترکیه‌ای، ۲۰،۸۴۴ سایر کشورها و ۱۰۵،۰۶۰ اظهار نشده می‌باشد. در خصوص جمعیت ایران باید توجه کرد که این آمار مربوط به پایان زمان سرشماری در انتهای آبان ماه ۱۳۹۵ است (نه پایان سال ۱۳۹۵)، همچنین حدود یک و نیم تا دو میلیون نفر اتباع غیرمجاز افغانستانی (افغانستانی‌ها در ایران) و ایرانیان خارج از کشور که بین سه تا شش میلیون نفر برآورد می‌شوند، لحاظ نشده‌اند و در برخی مناطق شرقی و جنوبی ایران هم عده زیادی فاقد شناسنامه و مدارک هویتی

هستند (Rahimi et al., 2019). بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ درباره ترکیب قومی ملت ایران، جمعیت فارس‌ها حدود ۷۳ تا ۷۵ درصد جمعیت ایران است. آمار سرشماری سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که ۸۲ تا ۸۳ درصد مردم فارسی صحبت می‌کنند و ۲/۸۶ درصد از آن‌ها فقط فارسی را می‌فهمند. ترکیب قومیتی ایران بر اساس گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد ۵۰ درصد فارسی‌زبان، ۱۹ درصد آذربایجانی، ۱۰ درصد کرد و ۶ درصد گیلک و مازندرانی، ۶ درصد لر، ۲ درصد بلوچ، ۲ درصد عرب، ۲ درصد ترکمن و ۱ نیز از دیگر اقوام است. ترکیب قومیتی ایران بر اساس داده‌های «کتاب واقعیت‌های جهان سیا» ۶۱ درصد فارسی‌زبان، ۱۶ درصد آذربایجانی، ۱۰ درصد کرد، ۶ درصد لر، ۲ درصد بلوچ، ۲ درصد عرب، ۲ درصد ترکمن و ۱ درصد از دیگر اقوام است. تهران، مشهد، اصفهان، کرج، تبریز، شیراز، اهواز، قم، کرمانشاه و ارومیه به ترتیب ۱۰ کلان‌شهر پرجمعیت ایران هستند (Rahimi et al., 2019). شهر تهران با داشتن ۱۵ میلیون، پرجمعیت‌ترین شهر ایران زمین می‌باشد و شهر مشهد با سه میلیون و صد هزار نفر دومین شهر پرجمعیت و شهر اصفهان با دو میلیون جمعیت سومین شهر پرجمعیت کشورمان به شمار می‌آیند. که مرکز استان اصفهان بوده و اهمیت گردشگری بالایی برای این کشور دارد. کرج با داشتن ۲ میلیون نفر جمعیت در رده چهارم شهرهای پرجمعیت ایران قرار گرفته است. تبریز که از نظر جمعیت پنجمین شهر کشور ایران می‌باشد محل اسکان ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر می‌باشد. پس از این شهرها بزرگ‌ترین شهرهای ایران از قرار: شیراز، قم، اهواز، ارومیه، کرمانشاه می‌باشد (Mahmoudi Balaghshefesh et al., 2019).



نقشه ۲: موقعیت منطقه‌ای ایران

Source: (<https://www.theguardian.com>)



نقشه ۳: جغرافیای ایران

Source: (<http://www.mapsopensource.com>)

۲. سنخ‌شناسی سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی فضای مجازی در برابر آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی

در بخش مطالعات سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی کشورها در برابر آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی؛ می‌توان از دو دسته سیاست‌ها و برنامه‌های ایجابی و سیاست‌های سلبی در برنامه‌ریزی راهبردی کشورها در قبال آسیب‌های مجازی نام برد.

سیاست‌های سلبی را می‌توان شامل سیاست‌ها و برنامه‌هایی معطوف به حذف، کنترل و نظارت دانست و سیاست‌های ایجابی فرهنگی و اجتماعی جوامع را برنامه‌ها و سیاست‌هایی معطوف به تولید محتوا، مدیریت محتوا، برنامه‌های دیجیتالی‌سازی اطلاعات آنالوگ و دسترس‌پذیر ساختن اطلاعات و محتوا در شبکه‌اینترنت دانست (Amali & Hasani, 2012: 27). توجه و وزن دهی مناسب به سیاست‌های ایجابی هم چون پررنگ شدن محتوای مناسب و محتواسازی برای فضاهای آسیب‌زا و جایگزینی محتوای نامتناسب با محتوای مناسب تا حدودی می‌تواند این فضا را به سوی استانداردهای اخلاقی پیش برد تا در بدو تولید محتوا به جای محتوای آسیب‌زا و نامناسب، محتوایی مناسب حتی توسط خود کاربران تولید شود (Ameli, 2011: 366).

با این اوصاف؛ در ایران برنامه‌ها و سیاست‌های کلان را در هر دو دسته سیاست‌های سلبی (مسدودسازی دسترسی به وب‌گاه‌های آسیب‌زا) و ایجابی (طرح‌های توسعه محتوا هم چون تسما) می‌توان رهگیری کرد. اما نکته اساسی در برنامه‌ریزی برای مواجهه با آسیب‌های فضای مجازی، وزن دهی به سیاست‌های ایجابی است. حضور پررنگ در فضای مجازی ضرورت نیازمند دسترس‌ناپذیر بودن فضاهای آسیب‌زا و محتواهای نامناسب و ارتباطات ناهنجار نیست. عدم توجه به وزن سیاست‌گذاری‌ها در حوزه آسیب‌شناسی به خصوص در فضای مجازی و عدم توجه به

مختصات فضای مجازی، دامنه اثرگذاری سیاست‌های سلبی را محدود و بی‌تأثیر می‌سازد و موجب می‌شود آسیب‌ها در هیبتی جدیدتر هر آن خود را نمایان سازند.

سابقه پالایش (فیلترینگ) در سیاست‌های تقنینی

دغدغه پالایش محتوای سایبری از همان بدو ورود اینترنت به ایران وجود داشت، به طوری که مرکز تحقیقات فیزیک نظری به عنوان اولین ارائه‌کننده خدمات اینترنتی در ایران و به طور خاص به دانشگاه‌های کشور، از همان ابتدا از نرم افزار Websense استفاده کرده است. اما به زودی قانون‌گذار در این عرصه ورود نموده و قوانین و مقررات متعددی در این زمینه از سوی مراجع مختلف به تصویب رسیدند که در ادامه به اختصار به بررسی این قوانین می‌پردازیم.

تصویب راهبردهای کلان ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت در کشور مصوب ۱۳۷۹

سند راهبردهای کلان ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت در کشور مصوب شورای عالی اطلاع‌رسانی در سال ۱۳۷۷ به عنوان اولین سند حقوقی رسمی کشور است که سخنی از پالایش به میان آورده است، سندی جالب و مترقی است. این سند بر اولویت‌بخشی به سیاست‌های تشویقی بر سیاست‌های تنبیهی مانند پالایش فضای سایبر و چند سطحی بودن پالایش و نیز لزوم قانونمند بودن روش‌های نظارت و کنترل و عدم اعمال سلیقه در این زمینه، تأکید کرده است. جالب است که اولین سند حقوقی رسمی، به هیچ وجه پالایش محتوای سایبری را محدود به پالایش ملی و حاکمیتی و به شکل متمرکز نمی‌داند و در کنار آن بر پالایش در سطح رساها و از همه مهم‌تر پالایش به شکل داوطلبانه توسط خانواده‌ها تأکید دارد و در این زمینه حاکمیت را ملزم به ارائه خدمات کرده است. این در حالی است که پس از ۱۹ سال از تاریخ تصویب این سند و تاکنون (سال ۱۳۹۸) تدبیری جدی برای موضوع پالایش سطح خانگی اندیشیده نشده و صرفاً در یک مقطع زمانی پالایش در سطح ارائه‌دهندگان خدمات به عنوان بازوی اجرایی حکومت صورت می‌گرفت.

تصویب مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی مصوب ۱۳۸۰

در ۱۳۸۰ با ابلاغ سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب قوانین مربوط به فیلترینگ در اینترنت پرداخت. فیلترینگ در ابتدا سایت‌های اخلاقی را شامل می‌شد اما با رشد سریع تعداد سایت‌های اینترنتی سیاسی، به موازات تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی در جامعه و نگاه سنتی مسئولان امر، سایت‌های سیاسی و اعتقادی نیز مشمول امر فیلترینگ شدند و عملاً یکی از مزیت‌های عصر ارتباطات که دسترسی سریع و آسان به اندیشه‌ها و تفکرات مختلف بود از بین رفت ((Saad, 2015: 153).

تصویب قانون گسترش راهکارهای اجرایی عفاف و حجاب مصوب ۱۳۸۴

قانون دیگری که در سال ۱۳۸۴ تصویب شده و در آن به موضوع پالایش نیز اشاره شده است، قانون «گسترش راهکارهای اجرایی عفاف و حجاب» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است که او تنها سند حقوقی است که از «فیلترینگ هوشمند» در آن نام برده شده و تأکید بر تسریع ایجاد آن شده است؛ ثانیاً در این قانون به موضوع پایش و

نظارت، از حیث ارزیابی میزان رجوع به سایت‌های غیراخلاقی توجه شده است و ثالثاً در این سند به لزوم وجود ضمانت اجرای کیفی برای ارائه دهندگان و فروشندگان پالایش‌گريزها اشاره شده است.

آیین‌نامه تأمین، توزیع و عرضه خدمات اینترنت و اینترنت ملی مصوب ۱۳۸۵

علاوه بر مورد فوق آیین‌نامه تأمین، توزیع و عرضه خدمات اینترنت و اینترنت ملی که توسط کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در سال ۱۳۸۵ به تصویب رسید و سلسله مراتب جدیدی برای ارائه خدمات دسترسی در کشور تعریف شده است. از آنجا که این آیین‌نامه مصوبه یک نهاد دولتی است؛ باید دید رابطه آن با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی پیرامون ارائه دهندگان خدمات دسترسی چه خواهد بود؟ آیا این مصوبه ناسخ آن محسوب می‌شود؟ زیرا در آن واحد امکان اجرای هر دو مصوبه وجود ندارد. در بند (۱۳) ماده (۱) این مصوبه، فیلترینگ تعریف شده، اما به مجری آن اشاره نشده است و مشخص نیست که در کدام لایه دسترسی باید پالایش صورت گیرد. البته در پیوست این مصوبه، الزامات فنی پالایش و همچنین سایر تدابیر پیشگیرانه برای توزیع کنندگان (لایه میانی دسترسی به شبکه) پیش بینی شده که به نظر می‌رسد با قدر تفسیر موسع می‌توان متولی کنونی پالایش را احراز کرد (Pourghahremani, 2016: 232).

تصویب آیین‌نامه ساماندهی فعالیت‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ایرانی مصوب ۱۳۸۵

تصویب آیین‌نامه ساماندهی فعالیت‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ایرانی توسط هیئت دولت در سال ۱۳۸۵، یک تجربه آموزنده از شکست مقررات گذاری به دلیل عدم توجه به ماهیت فضای سایبر است. این آیین‌نامه، برای پایگاه‌ها و سایت‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی، ثبت را الزامی کرده و ماده ۶ آن، وبگاه‌های ثبت نشده را تهدید به پالایش نموده است، بدون توجه به آن که به دلیل ماهیت هم‌گرایی فضای سایبر و نیز ماهیت شبکه‌ای آن، میلیون‌ها انسان در این فضا مشغول ارسال پیام و تولید محتوا هستند و مجبور کردن آن‌ها به ثبت اطلاعاتشان عملاً کاری غیرممکن است.

تصویب سند راهبردی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات کشور مصوب ۱۳۸۷

علاوه بر مطالب فوق؛ سند راهبردی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات کشور مصوب ۱۳۸۷ وزارت ارتباطات و فناوری یکی از راهبردهای اصلی را «امن‌سازی زیرساخت‌های حیاتی کشور در قبال حملات الکترونیکی» شناخته است که متولی آن وزارت اطلاعات و دستگاه‌های متولی زیرساخت‌های حیاتی معرفی شده است.

تصویب قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸

اقدامات پیشگیری وضعی فقط در نهادهای اجرایی خلاصه نمی‌شود بلکه خود قانون‌گذار نیز در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۵ در فصل جرائم رایانه‌ای^۱ که به بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ملحق شده است به نوعی به بحث فیلترینگ پرداخته است و در ماده ۷۴۰ ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظف‌اند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی

^۱ «قانون جرائم رایانه‌ای» در ۵۶ ماده و در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۴/۱۷ منتشر شد و شماره مواد ۱ تا ۵۴ این قانون به عنوان مواد ۷۲۹ تا ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات با عنوان فصل جرائم رایانه‌ای منظور و شماره ماده ۷۲۹ بخش تعزیرات به شماره ۷۸۳ اصلاح گردید.

کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل محتوای مجرمانه که در چهارچوب قانون تنظیم شده است اعم از محتوای ناشی از جرائم رایانه‌ای و محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای به کار می‌رود را پالایش و فیلتر کنند. در بسیاری از کشورها، تعیین مصادیق فیلترینگ بر عهده یک نهاد یا سازمان است اما در کشور ما، نهادهایی همچون وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت ارشاد و... در فرآیند تصمیم‌گیری برای فیلتر کردن سایت‌ها نقش بازی می‌کنند.

متولیان فیلترینگ در کشور تنها به این موارد ختم نمی‌شود چرا که در ابتدای سال ۱۳۸۸ شرکت ارتباطات زیرساخت، افزون بر فیلترینگی که از سوی شرکت‌های خدمات دهنده اینترنت صورت می‌گرفت خود نیز فیلترینگ دیگری را روی پهنای باند کشور قرار داد. در واقع سیستم جدید شرکت ارتباطات، کندی وب‌گاه اینترنت را در بعضی از مناطق کشور رقم زد.

ایجاد شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی و تصویب اساسنامه مرکز ملی فضای مجازی مصوب ۱۳۹۱ با توجه به تعدد مراجع سیاست‌گذار در حوزه فضای سایبری؛ شورای عالی فضای مجازی با حکم رهبری، به عنوان کانون سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای سایبر و مرکز ملی فضای مجازی نیز به عنوان بازوی اجرایی آن ایجاد گردید. وفق بند ۹ ماده ۲ این اساسنامه، فراهم آوردن شرایط لازم برای دستیابی فضای مجازی کشور به بالاترین سطح از امنیت و سلامت برای آحاد مردم، نظام و کلیه نقش‌آفرینان در فضای مجازی، از اهداف این مرکز می‌باشد. لازم به ذکر است که در جهت حل مشکل تعدد مراجع مقررات گذاری و تصمیم‌گیری در خصوص فضای سایبری در فرودین ۱۳۹۵، در جلسه شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی انفورماتیک، شورای عالی اطلاع‌رسانی و شورای عالی امنیت قضای تبادل اطلاعات (افتا) منحل و کلیه وظایفشان در سطح ملی به شورای عالی فضای مجازی واگذار شد.

با این اوصاف موضوع سیاست‌های سلبی و فیلترینگ زمانی نگران کننده شده که دامنه فیلترینگ از دایره سایت‌ها فراتر رفته و به شبکه‌های اجتماعی نیز برسد. به موازات تشدید فیلترینگ، نرم‌افزارهای فیلترشکن نیز به سرعت وارد بازار می‌شوند به نحوی که برخی از نرم‌افزارهای فیلترشکن که کیفیت پایین‌تری دارند، حتی به صورت رایگان قابل دسترس هستند و به جزء جدایی‌ناپذیر فعالیت اینترنتی تبدیل می‌شوند.

چالش‌های حقوقی و فنی موجود در نظام پالایش (فیلترینگ)

بررسی معایب و چالش‌های حقوقی و فنی موجود در نظام پالایش (فیلترینگ)، می‌تواند لزوم تغییر رویکرد این نظام، از اعمال تدابیر متمرکز به صورت حاکمیتی، به اعمال تدابیر متنوع در سطوح مختلف به صورت مشارکتی را تبیین نماید. با این اوصاف در این قسمت به برخی از چالش‌های نظام پالایش اشاره می‌گردد.

پالایش (فیلترینگ) توأمان محتویات قانونی و غیرقانونی

برخی از فعالیت‌های فضای مجازی ماهیت دوگانه دارند؛ یعنی می‌توان از محتویات آن‌ها؛ هم مجرمانه و هم غیر مجرمانه را توأمان برد؛ و آنچه که اهمیت دارد؛ نحوه استفاده کاربران از آن‌ها است. سیاست‌های مورد اتخاذ در مورد فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده از نرم‌افزارهای پالایشگر مسدودکننده پروتکل اینترنت و یا

مکان‌یاب یکنواخت منبع است و این در حالی است که با جلوگیری از دسترسی به این وب‌سایت‌ها، حتی آن دسته از کاربرانی که خواهان استفاده از محتویات غیرمجرمانه هستند نیز قادر به دسترسی به اطلاعات مورد نیاز خود نخواهند بود.

نمونه بارز این امر در کشور خودمان در برخی از شبکه‌های اجتماعی مجازی مصداق دارد؛ مقامات ناظر به دلیل مجرمانه بودن برخی از محتویات وب‌سایت‌هایی هم چون فیس‌بوک، یوتیوب و تلگرام، مانع از دسترسی کاربران به محتویات موجود در این وب‌سایت‌ها می‌شوند. در حالی که، همه‌ی محتویات این وب‌سایت‌ها نامناسب و یا حتی مجرمانه نیستند. مسدود نمودن دسترسی کاربران به وب‌سایت‌های یاد شده نقض آشکار حق آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات است. کاربران ایرانی و ایجاد صفحات شخصی در فیس‌بوک و تلگرام را ندارند و نمی‌توانند با دیگر کاربران در ارتباط بوده و آراء و اندیشه‌های خود را مطرح نمایند. همچنین، آن‌ها حق به اشتراک گذاشتن^۱ و یا دریافت محتویات موجود در این وب‌سایت‌ها را نداشته و قادر نخواهند بود اخبار روز دنیا را از این منابع پیگیری نمایند. پژوهشگران و دانشجویان ایرانی قادر به دریافت جدیدترین نتایج تحقیقات علمی که به صورت فیلم در وب‌سایت یوتیوب به اشتراک گذاشته می‌شود، نیستند و نمی‌توانند سمینارها و کنفرانس‌های علمی برگزار شده در ایران را با دیگر کاربران به اشتراک بگذارند. البته لازم به ذکر است که بعضاً در کانال‌های تلگرام محتویات غیراخلاقی و مجرمانه منتشر می‌شود؛ لیکن، نکته اساسی اینجاست که محتویات غیر اخلاقی و مجرمانه، نباید مانع از دسترسی کاربران به محتویات غیرمجرمانه شوند. با توجه به مباحث فوق می‌توان نتیجه گرفت تا زمانی که سیاست‌های مقامات ناظر از چنین نرم افزارهای پالایشگری استفاده می‌نمایند، حق جریان آزادی اطلاعات و آزادی بیان مجازی را نقض می‌نمایند. آن‌ها باید از نرم افزارهای پالایشگری استفاده نمایند که قابلیت داده کاوی محتویات صحیح از ناصحیح این گونه صفحات را داشته باشد و در غیر این صورت، دارای مسئولیت بین‌المللی و آثار و تبعات جرم شناسانه خواهند بود.

کاهش سرعت دسترسی به اینترنت

یکی از ویژگی‌های اختصاصی فضای سایبر، دسترسی آزاد افراد به مکان‌های عمومی و ارتباط افراد مختلف از اقصی نقاط جهان با یکدیگر در این مکان‌های عمومی که شبکه‌های اجتماعی مجازی گونه‌ای پرکاربرد از آن‌ها هستند، می‌باشد و اعمال محدودیت در خصوص دسترسی افراد به این مکان‌های عمومی، نباید به صورت سلیقه‌ای صورت گیرد. در «سند راهبردی جامعه اطلاعاتی ایران» نیز تأکید شده که باید دسترسی سریع، با کیفیت، ارزان و گسترده آحاد مختلف جامعه به ارتباطات با پهنای باند بالا تأمین گردد تا از این طریق قابلیت‌های لازم برای دریافت خدمات مختلف الکترونیکی فراهم گردد. بر این اساس سرعت بالای اینترنت به عنوان یک نیاز جهانی مطالبه جدی اشخاص بوده و تدابیری که برای سالم‌سازی فضای سایبر در نظر گرفته می‌شوند نیز، باید کمترین خدشه را برای این موضوع ایجاد نمایند و نمی‌توان سرعت اینترنت را به جهت اعمال تدابیری نظیر پالایش تمامی ترافیک اینترنتی ورودی به کشور در درگاه بین‌المللی کشور، پایین نگه داشت. (Alizadeh Tabatabaei, 2016: 218).

^۱. Sharing.

تقویت قانون‌شکنی و از بین رفتن قبح عدم اطاعت از قانون و آثار جرم‌شناسانه آن

فیلترشکن محصول سوء تفاهم میان دولت و شهروند است. دولتی که تشخیص می‌دهد شهروندش نباید به این محتوا دسترسی داشته باشد و شهروندی که چنین تصمیم‌گیری را نمی‌پسندد. در این شرایط اولین محصولی که هر فیلترشکن دارد (حتی قبل از سبز شدن آیکون آن و باز شدن محتوای وب برای کاربر) از میان رفتن «اعتماد» میان دولت و شهروند است.

اما فیلترشکن محصولات دیگری هم دارد که دارای بار حقوقی است. یک محصول دیگر فیلترشکن زدن برچسب قانون شکن به شهروند است. یکی از نظریات جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی، «برچسب‌زنی»^۱ است. اگر به کودکی در دوران طفولیت برچسب مجرمانه خورده شود؛ احتمال اینکه او در بزرگسالی اش مجرم و کج‌رو شود بیش از افرادی است که چنین برچسبی ندارند. در این شرایط حتی اگر در جامعه‌ای چون جامعه ما استفاده از فیلترشکن جرم نباشد، نفس دور زدن تمهیداتی که دولت اندیشیده؛ حس قانون‌گریزی را برای انسان به بار می‌آورد که در بستر زمان ممکن است به بی‌اعتمادی به نهادهای تقنینی و قضایی بینجامد. حال باید به پرسشی کاملاً حقوقی پرداخت. آیا استفاده از فیلترشکن واقعاً یک جرم است؟ می‌توان به این پرسش؛ به دو گونه پاسخ داد؛ پاسخ اول مثبت است مبنی بر جرم تلقی شدن فیلترشکن بر مبنای ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (ماده ۱ قانون جرائم رایانه‌ای)؛ ماده‌ای که مقرر شده است: «هر کس به طور غیر مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا ۲۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

با این حال به نظر نمی‌رسد این استدلال درست باشد زیرا عنوان بخشی که این ماده در آن آمده؛ «جرائم علیه محرمانگی داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی» است و در متن ماده از امنیت صحبت می‌شود. بنابراین می‌توان گفت استفاده از فیلترشکن در نظام حقوقی ایران جرم نیست و صرفاً «انتشار فیلترشکن‌ها و آموزش روش‌های عبور از سامانه‌های فیلترینگ» جرم‌انگاری شده است.

حال باید دید به لحاظ قانون‌گذاری شایسته است چه روبه‌ای در پیش گرفته شود؛ در این خصوص دو تحلیل وجود دارد که هر دوی آن‌ها به نظر درست است. یکی اینکه گفته می‌شود بخشی از کاربران اینترنتی در کشور هنگام رسیدن به یک صفحه فیلترشده، به دلایلی چون نداشتن دانش فنی یا وقت و زمان و حوصله یا ترس از نقض قوانین به سراغ فیلترشکن نمی‌روند و همین موضوع می‌تواند دستاوردی برای نظام فیلترینگ کشور باشد. از آن سو یک تحلیل حقوقی هم می‌گوید برای کم نشدن شأن قانون در یک جامعه، عملی را که افراد زیادی اقدام به آن می‌کنند، جرم‌انگاری نکنیم. در این شرایط مقوله «ممنوعیت» و «قانون» در پیش چشم شهروند خوار می‌شود و در نتیجه نظام حقوقی لطمه می‌خورد. نتیجه اینکه استفاده از فیلترشکن در کشور جرم نیست و چه خوب که این استفاده جرم‌انگاری نشده زیرا از بیشتر شدن شکاف دولت و ملت می‌کاهد و برچسب قانون شکنی به افراد نمی‌زند و نظام حقوقی کشور را در پیش چشم شهروندان خفیف نمی‌کند.

^۱. Labeling Theory.

از این رو فیلترینگ در صورتی که بدون رعایت اصول و قواعد لازم و به صورت حداکثری صورت گیرد، می‌تواند تبعات فرهنگی و اجتماعی متعددی نظیر تمایل کاربران به استفاده از منابع خارج از کنترل و گرایش به منابع خبری ناموثق و اعتماد به آن‌ها و تقویت قانون شکنی با استفاده از فیلترشکن و دور زدن پالایش داشته باشد. در این میان مهم‌ترین این تبعات تقویت رفتار قانون شکنی و عدم احترام به قانون است. این موضوع به ویژه با شکاف بین استاندارد محتوای نامناسب نزد مردم و محتوای مجرمانه نزد حاکمیت، بیشتر شده و هر چه این شکاف بیشتر باشد، تصور از پالایش به عنوان یک امر حداکثری و نارضایتی از آن و روی آوردن به فیلترشکن‌ها بیشتر می‌گردد.

عدم تأثیر فیلترینگ در پیشگیری از بزه دیدگی نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی مجازی

مدتی است که در کشور سیاست فیلترینگ جهت کنترل دسترسی به برخی از وبسایت‌ها و از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی نظیر: تلگرام، فیس‌بوک و توییتر اجرا می‌شود و هدف آن منع استفاده از سایت‌های غیراخلاقی و محتوای سایت‌های انحرافی و یا مصادیق مجرمانه است؛ این سیستم به نوعی طراحی شده است که محتوای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی را کنترل می‌کند و مطالب تعریف شده را در لیست سیاه و غیرمجاز قرار می‌دهد؛ اما مسئله این است که آیا اعمال فیلتر شبکه‌ای اجتماعی مجازی راه حل تضمین شده است؟ آیا توانسته بر کاهش استفاده غیرمجاز از شبکه‌های اجتماعی اثر گذار باشد؟

اینترنت و دنیای مجازی با تمام جذابیت و محبوبیت خود فضایی آزاد برای انواع تعاملات مشروع یا نامشروع باز می‌کند؛ اما فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی مجازی نمی‌تواند تضمین کننده عدم دسترسی به مطالب غیراخلاقی و کاهش بزه دیدگی باشد زیرا امروزه بسیاری از کاربران در دنیای آنلاین به ابزار به مراتب نیرومندتری به نام فیلترشکن مجهز شده‌اند که از این طریق از سد فیلتر و کنترل دسترسی عبور کرده و به راحتی به وبسایت‌های دلخواه خود دست یابند؛ بنابراین تکیه واحد بر فیلترینگ و حذف دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی نمی‌تواند کارگشا باشد و در کنار آن ما به راهکار مهم‌تری به نام اخلاق‌سازی و فرهنگ‌سازی مجازی احتیاج داریم و نیاز به سرمایه‌گذاری در زمینه سواد و فرهنگ سایبری می‌باشیم؛ به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی مجازی چون تلگرام و اینستاگرام به دلیل محبوبیت و مزایایی که دارند نمی‌توانند یک جانبه منفی باشند همان گونه که گفته شد شبکه‌های مذکور پل‌های ارتباطی را با سراسر جهان ایجاد کرده‌اند و موجب صرفه جویی در وقت و هزینه بسیاری از کاربران خود گشته‌اند؛ بنابراین حذف دسترسی به این فضا در برخی موارد می‌تواند نتیجه معکوس را از خود برجای گذارد اما این فرهنگ‌سازی سایبری است که می‌تواند استفاده صحیح را به کاربران آموزش داده و مانع حذف دسترسی به این شبکه‌های اجتماعی پرطرفدار گردد.

یکی از بایسته‌های پیشگیری از بزه دیدگی؛ شناسایی موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم از طریق نظارت‌های دائمی است، لیکن؛ این تدابیر غالباً ماهیتی مداخله گرایانه داشته و فعالیت‌های خصوصی کاربران را تحت الشعاع قرار داده و استفاده از آن‌ها در سطح کلان منجر به شکل‌گیری جوامعی نظارتی می‌شود، جوامعی که رویکردی امنیت

مدرانه^۱ را انتخاب نموده و پیشگیری حداکثری از بزهکاری را از طریق نفوذ به شخصی‌ترین ابعاد زندگی مجازی کاربران انجام می‌دهند (Farhadi Alashti, 2016: 210-211).

همچنین، برخی از تدابیر محدود کننده و سلب کننده دسترسی، منجر به عدم بهره‌مندی کاربران از حقوق آزادی بیان و آزادی جریان اطلاعات شده و دسترسی به شبکه را قطع و یا با اختلالات فراوانی مواجه می‌نمایند و به عبارتی مانع از استفاده مطلوب از امکانات فضای مجازی می‌شوند.

یکی از نگرانی‌های عمده‌ای که تقریباً در تمامی کشورها، سازمان‌ها و جوامع به وضوح دیده می‌شود، توجه ویژه به سلامت کودکان در شبکه‌های اجتماعی مجازی است. بر اساس آمارهای بین‌المللی اغلب کاربران اینترنت، جوانان و نوجوانان هستند و به دلیل اینکه خودشان را در این محیط‌ها بیشتر فاش می‌کنند آسیب‌پذیرترند. بر اساس آمار مطالعات کمپین Knowthenet بر روی ۱۱۱۱ نفر از کودکان و والدینشان که در انگلستان جمع‌آوری شده است و هدف آن بررسی رفتار و علائق کودکان در فضای آنلاین و دانش والدین در مورد این رفتارها است؛ ۹۵۸ نفر از این کودکان در سن ده سالگی حداقل یکی از شبکه‌های اجتماعی را تجربه کرده‌اند و ۱۹۵ از آنان تا قبل از رسیدن به سن قانونی وارد فیس‌بوک شده‌اند و ۹۱۱ نفر نیز به همین منوال از واتساپ استفاده کرده‌اند. در این میان ۹۶۱ نفر از کودکان برای حل مشکلاتی که در فضای مجازی پیغام از با آن روبرو می‌شوند نظیر طرف اشخاص ناشناس و یا برخورد با محتوای نامناسب به والدین خود مراجعه می‌کنند. اما از بین والدین این جامعه آماری، تنها ۳۲ درصد نفر مطمئن بودند که می‌توانند راهنمای فرزندان خود در فضای مجازی باشند (Alizadeh Tabatabaei, 2016: 105-106).

توجه به «کودکان آنلاین» اصطلاحی است که برای ابتکار عملی به منظور مراقبت از افراد کمتر ۱۸ سال در فضای مجازی، وضع شده است. این موضوع ناشی از آن است که کودکان و نوجوانان، آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند و فضای مجازی می‌تواند موقعیت‌های خطرناکی برای آن‌ها در برداشته باشد و منتج به قربانی شدن کودک در این محیط شود. ملاحظه مهم در سیاست حفاظت از «کودکان آنلاین» از انواع بزه دیدگی کسب اجماع بین‌المللی بین کشورهایی که هرزه‌نگاری و بسیاری موضوعات دیگر را برای بزرگسالان جرم نمی‌دانند و کشورهایی که آن موضوعات را برای همه اقشار جرم تلقی می‌کنند؛ بوده است. لذا این موضوع مبتنی بر کف قابل قبول در جامعه جهانی تدوین شده است (Alizadeh Tabatabaei, 2016: 106). در کشور ما متأسفانه تمرکز بر فیلترینگ متمرکز و اجباری از سوی حاکمیت و عدم التفات به دیگر سیاست‌های صیانتی و مشارکتی از یک سو و در اولویت قرار ندادن موضوع خاص حفاظت از کودکان به عنوان یک قشر آسیب‌پذیر سبب شده است که تقریباً هیچ سیاست یا برنامه قابل قبولی در این حوزه اجرا نشود.

با توجه به توضیحات ارائه شده؛ منع نوجوانان از دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی نمی‌تواند کمک کند چرا که دولت برای جلوگیری از این وضعیت به فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی پرداخته؛ این تدبیر نه تنها کمکی نکرد؛

^۱ سیاست کیفری امنیت گرا، با فرض دشمن دانستن بزه‌کاران، به تشکیل نوعی حقوق کیفری دشمن مدار همت گمارده است و حتی از رهگذر جهانی‌شدن جرائم و نقض فاحش امنیت ملی و بین‌المللی، سیاست کیفری جهانی به دنبال تضمین امنیت حداکثری است (ghannad & Akbari, 2016: 36).

بلکه کودکان را بیشتر در معرض بزه‌دیدگی جنسی قرار داده است؛ زیرا بر مبنای بررسی‌های انجام شده ۹۴ درصد کاربران مثل قبل از شبکه‌های اجتماعی بدون محدودیت استفاده می‌کنند؛ در واقع منع نوجوانان از استفاده شبکه‌های اجتماعی اثرات منفی نظیر خشم و لجاجت در آن‌ها ایجاد کرده و به مراتب آن‌ها را برای استفاده از این شبکه‌های اجتماعی بیش از پیش ترغیب کرده است. ولی موضوع نگران کننده این است که کاربران با چالش جدید استفاده از فیلترشکن برای مشاهده سایت‌های غیراخلاقی قرار گرفته‌اند و ۳۷ درصد آنان از فیلترشکن علاوه بر باز کردن فیلترینگ؛ جهت استفاده از سایت‌های غیراخلاقی و جنسی استفاده کرده‌اند (Keramati Moez, Mirkhili, Aalipour, and Sheidaean, 2019: 22-23).

۵. فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی مجازی؛ راهکاری برون‌رفت از سیاست‌های پالایش

شبکه‌های اجتماعی مجازی از فرصت‌ها و تهدیدهای مختلفی برخوردار هستند و لازمه استفاده صحیح از این تکنولوژی شناخت آن‌ها است. به عبارت بهتر، استفاده صحیح و کارآمد از این تکنولوژی نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. در واقع، یکی از مشکلات عمده در استفاده از این فضا کم کاری و اهمال در حوزه فرهنگ‌سازی است. همان‌طور که تدابیر محدود کننده دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی به ویژه تلگرام را به نقد کشیدیم و به این نتیجه رسیده‌ایم که سیاست‌های سلبی نمی‌توانند به تنهایی امر پیشگیری از بزه‌دیدگی نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی مؤثر باشد و احتمال آثار سوء جرم‌شناسانه نیز دارد؛ از این رو در این خصوص به راهکار منطقی و علمی نیاز داریم.

این راهکار چیزی جز بالا بردن سواد سایبری و فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیست. آنچه در این جا مدنظر است چیزی جز ایجاد رفتارهای مسئولانه و سالم و همچنین محتاطانه در شبکه‌های اجتماعی مجازی نیست. اهم اقدامات مربوطه شامل آگاه‌سازی کاربران از تبعات رفتارهای غیرقانونی آنلاین و یادگیری نحوه محافظت از خود و دیگر کاربران در برابر آنان است (Jalali Farahani and Bagheri Asl, 2007: 18).

اما در خصوص فرهنگ‌سازی سایبری و استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی در درجه اول باید یک نگاه کاملاً منطقی و واقع‌گرایانه به دنیای ملموس داشته باشیم و شرایط فرهنگی و اجتماعی آن را بسنجیم تا در سایه این شرایط بتوانیم فرهنگ استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی را به جامعه‌القاء نماییم. در مرحله بعد باید از ابزارهایی مفیدی همچون رسانه‌های جمعی در ترویج نحوه استفاده صحیح از فضای مجازی استفاده کرد. حوزه فرهنگ‌سازی سایبری نیاز به کار و بسترسازی بالایی دارد. (Razavi Fard et al., 2017: 61-62).

به نظر می‌رسد فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی مجازی ابتدا باید در خانواده شروع شود؛ والدین بایستی فرزندان خود را با آسیب‌ها و مخاطرات این شبکه‌ها آشنا کرده و به نوعی هنجارها و الزامات استفاده از شبکه‌های اجتماعی را به آنان بیاموزند. البته باید توجه داشت که نیازی نیست که برای آموزش و تربیت در این زمینه به کلی رابطه فرزندان با شبکه‌های اجتماعی نظیر تلگرام و اینستاگرام قطع شود؛ زیرا به نظر برخی از پژوهشگران فضای سایبر؛ تلاش برای پیشگیری از بزه‌دیدگی آنلاین، اصلی‌ترین تکلیف پدر و مادر در قبال کودکان و نوجوانان آموزش فرهنگ سایبری به فرزندانشان است. البته آنان باید خود نیز چیزهایی از فرهنگ سایبری بیاموزند (Hulder &

(Jaishkar, 2013: 120); از این حیث خانواده‌ها می‌توانند با استفاده از سواد سایبری به آموزش استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی فضای پردازند.

آگاه کردن کودکان از مخاطرات و سوء استفاده‌های احتمالی و ضرورت حفظ حریم شخصی، اولین گام در آموزش نحوه استفاده سالم از شبکه‌های اجتماعی است. بنابراین ضروری است که به کودکان آموزش داده شود که چنانچه مشکلی در فضای مجازی پیش آمد، چه اقداماتی باید انجام دهند. والدین می‌توانند با انجام فعالیت‌های مشترک در اینترنت نظیر جستجو و یادگیری مطالب جدید، فرصتی را برای حضور خود در کنار فرزندشان، در هنگام استفاده از شبکه‌های اجتماعی فراهم کنند (Keramati Moez & Abdollahi, 2015: 335).

در رابطه با شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توان گفت که هر چند شبکه‌های اجتماعی ممکن است ابزاری در جهت ارتکاب جرم باشد اما از یک طرف دیگر مدیریت صحیح رسانه‌ها و محیط‌هایی نظیر اینستاگرام و تلگرام کمک شایانی به پیشگیری از بزه دیدگی می‌کند؛ کودکان و نوجوانان استفاده کننده از شبکه‌های اجتماعی مجازی باید مورد آموزش قرار گیرند تا میزان مشارکت خود در ارتباط آنلاین خویش در شبکه‌های اجتماعی را محدود به افرادی کنند که آن‌ها را می‌شناسند و به آن‌ها اطمینان دارند.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

دو دسته عوامل جغرافیایی تعیین‌کننده موقعیت جغرافیایی کشورها هستند؛ عوامل ثابت و عوامل متغیر. عوامل متغیر ژئوپلیتیک عبارت‌اند از: ۱- جمعیت: از منظر جغرافیای سیاسی، ساده‌ترین مطالعه جمعیت کشورها، بررسی حالات گوناگون آن‌هاست. انسان در قبال سایر پدیده‌های طبیعی، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل جغرافیای سیاسی به شمار می‌رود. در تحلیل سیاسی - جغرافیایی، انسان کیفی مورد توجه است؛ یعنی انسانی که از مهارت عینی و ذهنی بالایی برخوردار بوده، با درک موقعیت می‌تواند حوادث نامطلوب آینده را پیش‌بینی و تا حد ممکن از وقوع آن‌ها پیش‌گیری کند. به تعبیر دیگر، آنچه در توسعه نقش دارد، جمعیت کیفی است، وگرنه جمعیت - به تنهایی - نه فقط عامل توسعه نیست، بلکه آثار مخربی را به دنبال دارد. امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل داشتن نفوس بی‌کیفیت، دچار بی‌ثباتی هستند.

بائبات‌ترین کشورهای جهان آن‌ها هستند که درصد انسان‌های فنی بیش‌تری دارند. برای هدفمند شدن جمعیت و کارآمدی آن، توجه به موارد ذیل ضروری است: تأمین غذا و مسکن، ایجاد زمینه توسعه فکری و توزیع نفوس متناسب با وسعت کشور. بی‌اعتنایی به موارد مزبور بحران‌آفرین است.

۲- منابع طبیعی: ارزش و توانایی واقعی یک کشور در گرو منابع طبیعی فراوان و باکیفیت است. غنای هر کشور منوط به طرز استفاده آن کشور از منابع و تولیدات خود می‌باشد. ممکن است کشوری با وجود منابع طبیعی فراوان به قدرتمندی مطلوب نرسد و به قول معروف، «با شکم گرسنه روی گنج بخوابد»؛ مانند کشورهای آفریقایی که ثروت‌های طبیعی‌شان صرفاً جنبه امیدواری دارد و بس، یا کشورهای نفت‌خیز که از بدترین نوع وابستگی برخوردارند؛ زیرا این‌گونه کشورها نفتشان را یا به صورت خام به خارج صادر می‌کنند و یا با فن‌آوری وارداتی، آن را تغییر شکل داده، صادر می‌نمایند که در هر حال، قدرت و توانایی آن‌ها ظاهری و خیالی است. منابع طبیعی به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف. منابع غذایی: منابع طبیعی که منشأ آن خاک و تلاش و فعالیت انسان در زمین است. اساس این نوع منابع طبیعی، کشاورزی و دامداری است. ب. منابع معدنی: منابع طبیعی در صنعت نقش اساسی دارد. وابستگی بشر به مواد معدنی، که از ویژگی‌های شاخص عصر جدید به شمار می‌رود، یکی از عوامل تمرکز قدرت سیاسی جهان امروز است. هر کشوری برای دستیابی به استقلال، پیش از هر فعالیتی، باید نیازهای اولیه غذایی مردم خود را تأمین نماید؛ زیرا خودکفایی در این زمینه، نقشی ارزنده در تعیین سرنوشت سیاسی کشورها دارد.

تأثیر فن‌آوری بر عوامل جغرافیایی و زیست‌محیطی یکی از مباحث نادر روز روابط بین‌المللی است. با پیدایش فن‌آوری نوین در ارتباطات و حمل‌ونقل یا وسایل جغرافیایی، منابع طبیعی، توزیع جمعیت، موقعیت راهبردی کشورها و پیشبرد قدرت ملی از اهمیت و توجه بیشتری برخوردار گردیده است. از آن جا که قدرت ملی و مهار ارضی، هسته مرکزی سیاست‌های جغرافیایی است، کشورهایی که توانایی اعمال قدرت در مناطق وسیع‌تری داشته باشند، واحدهای سیاسی مسلط در نظام بین‌الملل به شمار می‌روند. به طور انتزاعی، رابطه جغرافیا و قدرت (ژئوپلیتیک) در یک چیز نهفته است: توانایی یک کشور در انتقال و جابه‌جایی قدرت برای اعمال نفوذ یا سلطه بر سرزمینی که موقعیت راهبردی دارد. به اعتقاد بیش‌تر نویسندگان، غالب منازعات سال‌های آخر در مناطق قدرت‌های بزرگ رخ داده است شاید بتوان گفت که حوزه‌های قدرت برتری جویان از مراکز خود فراتر رفته و قدرت‌های کوچک‌تر را مقهور خود ساخته‌اند. آن‌ها همواره بر سر حدود با یکدیگر درگیر شده‌اند. این موضوع بیانگر تأثیرگذاری عوامل جغرافیایی و اقلیمی بر روابط بین‌الملل است. در ارتباط با تأثیر فن‌آوری بر عوامل جغرافیایی دو نگرش وجود دارد:

عده‌ای ادعا دارند که گذشت زمان و تحولات فن‌آورانه به تدریج، از اهمیت و نقش عوامل جغرافیایی می‌کاهد. در مقابل، عده‌ای معتقدند که تحولات فن‌آورانه عوامل جغرافیایی و زیست‌محیطی را منسوخ و بی‌اهمیت نمی‌سازد، بلکه تحولات مزبور، صرفاً موجب جای‌گزینی عوامل می‌گردد؛ به این معنا که رشته‌ای از عوامل جغرافیایی را جایگزین رشته دیگر می‌کند. در هر حال، پیدایش فن‌آوری‌های نوین در اواخر قرن بیستم، برای توسعه و گسترش سلطه بشر بر سطح زمین و فضای خارج و داخل جو، موجب توجه بیش‌تر محققان و سیاست‌گذاران به روابط سیاسی جغرافیایی گردیده و مسئله محوری بحث‌های سیاسی جغرافیایی، توجه به میزان تغییر عوامل زیست‌محیطی در مسیر نیازهای انسانی بوده است. به گفته لادیس کریستف، «هنگامی که یک کارشناس ژئوپلیتیک جدید به نقشه جهان می‌نگرد، نه به این منظور است که دریابد طبیعت چه چیزی را به انسان تحمیل می‌کند، بلکه می‌خواهد ببیند با توجه به اولویت‌ها، طبیعت چه راهی را به ما نشان می‌دهد.

فضای سایر مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای ارتباطی شده است. جامعه‌ای که از طریق آن می‌توان از کوچک‌ترین اتفاقات کره‌ی خاکی آگاهی حاصل نمود و پیرامون آن به اظهارنظر پرداخت. بالطبع تشکیل چنین جامعه‌ای که از آن به «دهکده‌ی جهانی» تعبیر می‌شود، حفظ نظم و امنیت آن نیز حائز اهمیت بوده و تأمین فضایی امن، از شرایط اساسی بهره‌مندی از امکانات موجود در این محیط است. نفوذ فضای سایبر به زندگی بشر دریچه دنیای نوینی را به روی وی باز نموده‌است، دنیایی که با فضای سنتی و پیشین تفاوت‌های بسیاری دارد. لازمه‌ی زندگی در این دنیای نوین، آگاهی توأمان از فرصت‌ها و تهدیدهای این فضا است و هرگونه کاستی و اهمال

در این حیطة، سبب ایراد خسارات جبران‌ناپذیری خواهد شد. قابلیت شگفت‌انگیز این فضا برای برقراری دسترسی غیرمجاز به اطلاعات شخصی در هر نقطه‌ای از دنیا در کسری از ثانیه، بر کسی پوشیده نیست. به همین سبب، کاربست تدابیری مناسب به منظور کاستن از آماج جرائم احتمالی، ضروری به نظر می‌رسد.

استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در دنیای کنونی، گریزناپذیر بوده و از لوازم اساسی زندگی بشر تلقی می‌گردد و حتی در برخی از کشورها به عنوان یکی از حقوق بشر شناخته شده است، با این وصف؛ سیاست‌گذاران کشورمان در حوزه فضای مجازی چند سالی است که برای کنترل و مهار آسیب‌های فضای مجازی از سیاست‌های سلبی استفاده نموده و به ویژه با فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، توئیتر و تلگرام منجر به نقض حقوق افراد گشته و اختلال جدی در زندگی آن‌ها ایجاد نموده‌اند و متأسفانه نه تنها جرائم و آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی کنترل نشده بلکه با استفاده از فیلترشکن‌ها و در دسترس قرار گرفتن برخی از سایت‌های منحرفانه و غیراخلاقی؛ آسیب‌ها و انحرافات بیشتر نیز شده است؛ با این اوصاف؛ نگارنده برای برون رفت از وضعیت موجود راهکارهای ذیل را پیشنهاد می‌کند:

۱- استفاده از راهکارهای پیشگیرانه اجتماعی

سیاست‌های کنترل فضای مجازی در کشور ما در این چند سال بیشتر بر روی سیاست‌های سلبی و فیلترینگ تأکید شده و از تدابیر پیشگیرانه‌ی اجتماعی چشم‌پوشی شده است؛ پیشنهاد نگارنده تأکید بر راهکارهای پیشگیرانه اجتماعی به ویژه فرهنگ‌سازی صحیح استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در زمره‌ی اولویت‌های برنامه‌های پیشگیری از جرم قرار گیرد. برای نیل به این هدف می‌بایست با توجه به سطوح متفاوت کاربران، دوره‌های آموزشی مورد نیاز آن‌ها برگزار شود و معایب و مزایای این فضا بر شمرده شود و طرق صحیح استفاده از امکانات موجود در این فضا آموزش داده شود.

۲) شخصی کردن اینترنت و برنامه‌ریزی برای دسترسی سطح‌بندی شده به شبکه‌های اجتماعی مجازی

تفکیک کاربران باید از نظر سطح دسترسی و اعمال فیلترینگ بر مبنای آن انجام شود؛ یک پزشک یا استاد دانشگاه یا یک آسیب‌شناس شبکه‌های اجتماعی لازم است به محتوایی دسترسی پیدا کنند که دسترسی افراد عادی جامعه به آن‌ها ضرورت ندارد.

۳- استفاده حداقلی از سیاست‌های فیلترینگ

اگرچه در مورد صفحات و کانال‌های شبکه‌های اجتماعی که فعالیت‌هایی چون تعلیم و ترغیب به هرزه‌نگاری و سوءاستفاده‌های جنسی و عاطفی از کودکان و نوجوانان را مرتکب می‌شوند بایستی فیلترینگ اعمال شود؛ ولی از سوی دیگر بر این نکته تأکید دارد که غیر از مواردی از این دست، به ویژه در مورد سایت‌ها و شبکه‌هایی که اساس کارشان بر انجام کارهای غیراخلاقی نیست، از قبیل پایگاه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی و شبکه‌های اجتماعی که در مجموع رفتارهای اخلاقی بر فعالیت‌های غیراخلاقی غلبه دارد، بایستی به «فیلترینگ حداقلی» اکتفا کرد به این معنا که با سعه صدر بیشتری با آن‌ها برخورد و از فیلتر کردن آن‌ها پرهیز شود، همواره به فیلترینگ به عنوان آخرین راه چاره نگریسته شود.

۴- تشویق به استفاده از سیاست‌های خودپالایشی و خودتنظیمی

با اهتمام و توجه به تدابیر ایجابی، نوعی فرهنگ خود ایمن‌سازی یا خود پالایشی در کاربران مختلف شبکه‌های اجتماعی مجازی ایجاد نمود. چرا که ماهیت و اقتضائات این فضا ایجاب می‌نماید که بیش از تدابیر محدود کننده، بر تدابیر مصون کننده، سرمایه‌گذاری گردد. در حقیقت با اتخاذ این تدابیر، کاربران مهارت خودتنظیمی را به دست می‌آورند و از این طریق خود را در مواجهه با هر محتوای مضرری قرار نداده و در صورت مواجهه ناخواسته فوراً از ملاحظه محتوای مزبور امتناع نمایند.

References

- Alizadeh Tabatabai, Zahra Sadat (2016). Effective Criminal Policy for Securing Cyber Space from Criminal Content and Its Uses, Doctoral dissertation, Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Faculty of Law and Political Science [In Persian].
- Amali, Seyed Saeed Reza (2011). A Two-Dimensional Approach to Injuries, Crime, Cyberspace Laws and Policies, Tehran: Amirkabir Publications Institute, First Edition [In Persian].
- Amali, Seyed Saeed Reza and Hasani, Hussein (2012). Dual Space Virtualization: A Comparative Study of International Policies, Journal of Cultural Research, Volume 5, Number 1 [In Persian].
- Ansari, Baqer and Attar, Shima (2013). Privacy in Virtual Social Networks, Journal of Legal Research, Volume 1, Number 2 [In Persian].
- Farhadi Alashti, Zahra (2016). Situation Prevention of Cybercrime (Solutions and Challenges), Tehran: Magazine Publications, First Edition [In Persian].
- ghannad, Fatemeh and Akbari Masood (2016). Criminal Policy Security, Journal of Criminal Law Research, Volume 5, Number 18 [In Persian].
- Halder, Dabarati; Jaishkar; Kay (2013). Cybercrime and Victimization of Women; Laws, Rights and Regulations, Translated by Mehrdad Rajjian Main, Hossein Mohammad Kourvez and Ehsan Salimi, Tehran: Majd Publishing, First Edition [In Persian].
- Hosseinejad, Seyed Mojtaba and Moniri Hamzeh Kalaei, Hamid Reza (2017). Jurisprudence Analysis and Analysis of Internet Filtering, Islamic State Journal, 84 [In Persian].
- Jalali Farahani, Amir Hossein and Bagheri Asl, Reza (2007). Social Prevention of Cybercrime and Deviation, Parliament and Research Journal, Volume 1, Number 2 [In Persian].
- Javidnia, Javad and Abedi Serasia, Alireza and Soltani, Abbas Ali (2015). Investigating Criminal Filtering Filtering Policies from the Jurisprudential Perspective, Journal of Religion and Communication, Twenty-Second Year, No. 2 [In Persian].
- Keramati Moez, Hadi and Abdollahi, Saman (2015); Analysis of Criminal Sociology of the Causes and Consequences of Pornography in Virtual Social Networks and its Preventive Strategies, Social Science Research Quarterly, Vol. 10, No. 4 [In Persian].
- Keramati Moez, Hadi and Chavoshi, Mohammad Sadegh (2018). Factors and Effects of Child and Adolescent Ethical Victimization on Telegram and Instagram Social Networks, Journal of Ethical Research, Ninth Year, No. 43 [In Persian].
- Keramati Moez, Hadi, Mirkhili, Seyyed Mahmood, Ali Pour, Hassan and Sheidaiyan, Mehdi (2019). Link to Virtual Social Networking and Adolescent Victimization (Case Study of Students between 12 and 15 Years in Five Cities of Tehran), Iranian Journal of Comparative Law Research, Volume 12, Number 45 [In Persian].
- Nami, Mohammad Hussein; Hosseini, Seyed Amir and Karimi, Aram (2017). Investigating and Analyzing Cyberspace on Geographic Space and Identifying the Relationship between Users' Feelings of Security and Confidence with regard to Internet Usage, Journal of Land Geography, Volume 41, Number 53 [In Persian].
- Paul Greenfield. Peter Rickwood and Huu Cuong Tran (2001). Effectiveness of Internet Filtering Software Products, Australian Broadcasting Authority.
- Pourghahremani, Babak (2016). Iranian Criminal Policy on Cybercrime (Comparative Study with International Documents), Tehran: Institute for Legal Studies and Research, First Edition [In Persian].

- Razavi Fard, Behzad; Robat jozei, Mohammad taqi , Omrani, Golsa (2017). Prevention of Sexual Abuse in Social Media, The Law Journal of the Justice, Eighty-two Years, No. 104.
- Saad, Ali (2015). An Introduction to Internet Filtering Policies, Modern Media Studies, Volume 1, Number 2 [In Persian].
- Yang, Wan-Shiou, Dia, Jia-Ben, Cheng, Hung-Chi. & Lin, Hsing-Tzu (2006). Mining social networks for targeted advertising, Proceedings of the 39th Hawaii International Conference on System Sciences.
- Hayek, Ali, Ramazani, Ahmad, Moradi, Maryam, Mir Abbasi, Seyed Bagher, Sadeghi, Mohammed (2019), Analysis of Terrorism in the Middle East from the Perspective of Islamic Law and International Law. Journal of New Attitudes in Human Geography, 12 (1), 528-549.
- Nazarian, Alireza, Motlaby, Masoud, Nabi Salim, Mohammad (2019), The Influence of the Islamic Republic of Iran's Hegemonic Stability on the Security of the Eastern Borders. Journal of New Attitudes in Human Geography, 12 (1), 657-682.
- Rahimi, Mohammad, Saneei, Mansour, Esmaci Lizadeh, Abdul Salam (2019), Evaluation of Spatial Justice in Sustainable Distribution and Development of Urban Green Space Using Entropy and Scattering Coefficient Model (Case Study: Shiraz 10th District), Journal of Research and Research New Attitudes in Human Geography, 12 (1), 277-292.
- Mahmoudi Gafshe, Mohammad, Bijani, Ali, Akhbari, Mohammed (2019), The Pattern of Iran-Pakistan Security Relations in Terrorism from 2001 to 2017. Journal of New Attitudes in Human Geography, 12 (1), 385-402.
- Rahimi, Ali, Ezzati, Ezzatollah, Mahdavi Hajiloui, Masooda (2019), Security Consequences of Geopolitical Developments in Syria, Regional Electricity, Islamic Republic of Iran. Journal of New Attitudes in Human Geography, 12 (1), 63-83.